

الگوی تازه، برخاسته از قانون کهنه

گفتگوی اختصاصی با حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان درباره الگوی جدید بانکداری اسلامی

دکتر سیدعباس موسویان در مورد الگوی جدید بانکداری اسلامی می‌گوید: بحث بانکداری بدون ربا که از حدود ۳۰ تا ۴۰ سال پیش در کشورهای اسلامی مطرح شده، یک عنصر مشترک دارد و آن هم حذف ربا از سیستم بانکی است، اما این که چه معاملات و قراردادهایی را جایگزین ربا بکنند، این الگوها با هم متفاوتند و این باعث شده که امروزه ما الگوهای مختلفی از بانکداری بدون ربا در کشورهای اسلامی داشته باشیم. این وضع در کوتاه‌مدت خوب است، چون الگوهای مختلفی از بانکداری بدون ربا در کشورهای اسلامی تجربه می‌شود تا روشن گردد که کدام الگو خوب می‌تواند جواب بدهد و نیاز مشتری (تسهیلات‌گیرنده و سپرده‌گذار) را برآورده سازد، اما در بلندمدت با کسب تجربه و استفاده از الگوهای مختلف، بانکداری بدون ربا باید به سمت یک الگوی کارآمد، به‌روز و در عین حال، شرعی حرکت کند.

با توجه به این ایده بود که چهار سال پیش کمیته‌ای متشکل از استادان اقتصاد، فقه و کارشناسان و مدیران با تجربه بانکی شکل گرفت. ابتداء در بانک ملی جلساتی را برگزار کردیم و بعد این جلسات به معاونت بانکی و بیمه وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد. در این جلسات، الگوهای بانکداری بدون ربا از جنبه‌های مختلف بررسی شد، از جمله الگوی فعلی بانکداری بدون ربا که در ایران اجرا می‌شود و اشکالات و نقاط ضعف آن با دقت تمام مورد بررسی قرار گرفت و به این سوالات رسیدیم که با استفاده از قانون عملیات بانکی بدون ربا، آیا می‌توان الگوی دیگری را طراحی کرد؟ آیا می‌توان با حفظ قانون فعلی و در چارچوب آن، الگوی دیگری را پیشنهاد کرد که بهتر از الگوی فعلی باشد و یک گام بانکداری بدون ربا را پیش ببرد و مشکلات و موانع الگوی فعلی را نداشته باشد؟

سپس مدت‌ها روی این موضوع بحث و گفتگو شد و نتیجه این بود که پاسخ مثبت است و می‌توان با حفظ قانون عملیات

بانکی بدون ربا و با استفاده از عقود شرعی، الگوی دیگری را طراحی و ارایه کرد که نتیجه آن، الگوی جدید بانکداری بدون رباست.

وی می‌افزاید: الگوی جدید سه عنصر اساسی دارد:

۱- توجه به اهداف مشتریان بانک و توجه به سلیقه‌های سپرده‌گذاران، بر این مبنا که برخی ریسک‌پذیرند، برخی به‌دنبال کار خیر می‌باشند، برخی ریسک‌گریزند و یک نظام بانکی هم باید همه اهداف و سلیقه‌ها را پوشش بدهد. در بخش تسهیلات‌گیرندگان هم این تنوع سلیقه و هدف وجود دارد.

۲- از جهت ماهیت بانک که در این الگو مورد توجه قرار گرفت، این است که بانک‌ها همه یکسان نیستند، برخی بانک‌های تجاری هستند که در حوزه عمومی فعالیت می‌کنند و نوعاً فعالیت آنها کوتاه‌مدت و میان‌مدت است و در نقطه مقابل، بانک‌های تخصصی سرمایه‌گذاری هستند که در یک حوزه خاص و به صورت میان‌مدت و بلندمدت کار می‌کنند.

۳- قراردادهای شرعی نیز متنوع هستند و از یک سنخ نمی‌باشند؛ عقود مبادله‌ای با نرخ‌های معین، مشارکتی برای سرمایه‌گذاری با نرخ‌های قابل پیش‌بینی و عقود خیرخواهانه و غیرانتفاعی.

سپس ادامه می‌دهد: با توجه به این سه عنصر، یک طبقه‌بندی خاص بین عقود، مشتریان و بانک‌ها انجام دادیم و نتیجه این شد که بانک‌ها را به سه گروه تقسیم کردیم:

۱- گروه اول، بانک‌های تجاری که تنها بر اساس عقود مبادله‌ای با نرخ‌های معین کار می‌کنند و مشتریان خاص خود را دارند و نتیجه این می‌شود که این بانک‌ها هم در طرف سپرده‌گذار و هم در طرف متقاضیان تسهیلات می‌توانند نرخ‌های سود معینی داشته باشند و باعث می‌شود که مشتریان خودشان را داشته باشند، یعنی تسهیلات‌گیرندگان و سپرده‌گذارانی که به دنبال سود معین هستند و به‌دنبال ریسک

قراردادهای شرعی متنوع هستند و از یک سنخ نمی‌باشند: عقود مبادله‌ای با نرخ‌های معین، عقود مشارکتی برای سرمایه‌گذاری با نرخ‌های قابل پیش‌بینی و عقود خیرخواهانه و غیرانتفاعی.

نمی‌باشند، به آنان مراجعه می‌کنند.

۲- گروه دوم، بانک‌های تخصصی سرمایه‌گذار است که می‌خواهند در حوزه مشخصی به صورت میان‌مدت و یا بلندمدت وارد سرمایه‌گذاری شوند که با عقود مشارکتی که در حقیقت، ماهیت شراکت در سرمایه‌گذاری دارند، فعالیت می‌کنند، مانند مشارکت مدنی، حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مضاربه، مساقات و... این بانک‌ها سود انتظاری برای سپرده‌گذاران تدارک می‌کنند، و نتیجه این می‌شود که آن گروه از سپرده‌گذاران جامعه که هدف سود دارند و در عین حال، حاضر به پذیرش ریسک هستند، به سراغ این دسته از بانک‌ها خواهند آمد که منابع آنان در حوزه‌های خاصی سرمایه‌گذاری شده و سود واقعی آن بخش را همراه با ریسک می‌پذیرند.

۳- گروه سوم، بانک‌های جامع که بانک‌های بزرگی هستند که در سه بخش فعالیت می‌کنند: بخش غیرانتفاعی (قرض‌الحسنه) یا خیرخواهانه، بخش تجاری با عقود مبادله‌ای و بخش سرمایه‌گذاری و تخصصی براساس عقود مشارکتی.

حجت‌الاسلام دکتر موسویان: با حفظ قانون عملیات بانکی بدون ربا و با استفاده از عقود شرعی، می‌توان الگوی دیگری را طراحی کرد.

پیش‌بینی می‌کنیم که نتیجه اجرای این الگو هم این خواهد بود که اولاً، عقود اسلامی، بانک‌ها و مشتریان براساس منطق روشنی طبقه‌بندی می‌شوند و هر کس براساس اهداف و سلیقه خود موسسه موردنظر را انتخاب می‌کند؛ دوم اینکه، تعداد عقود در بانک‌ها کاهش پیدا می‌کند، یعنی بانک‌ها براساس نوع فعالیت، با عقود مشخصی کار می‌کنند و بانک‌های جامع در هر بخش به طور تفکیک‌شده به فعالیت می‌پردازند و در نتیجه، آموزش کارکنان روانتر می‌شود، آموزش مشتریان آسانتر می‌شود، هزینه عملیات اجرای عقود در سیستم بانکی کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه، هزینه تسهیلات کاهش پیدا می‌کند و معاملات آسانتر و روانتر می‌شود؛ سوم، اشکالاتی که امروزه بر سیستم بانکی وارد است که معاملات صوری شده و کارگزاران بانک و مشتریان قراردادهای را متوجه نمی‌شوند هم برطرف می‌شود، چون هر بانکی روی یک تعداد محدود و خاص از عقود متمرکز می‌شود و جلوی صوری‌شدن معاملات تا حدود زیادی گرفته می‌شود و چهارم اینکه، نظارت و کنترل آسانتر خواهد شد، به جهت این که هر بانکی با قراردادهای و عقود متناسب با خود کار

می‌کند؛ پنجم اینکه، عملیات حسابداری بانک‌ها هم روان‌سازی می‌شود و بانکداری بین‌المللی و معاملات بانکی بین‌المللی به‌وجود می‌آید. بنابراین، کمبودی که در نظام بانکی فعلی ما وجود دارد، با این الگو برطرف می‌شود.

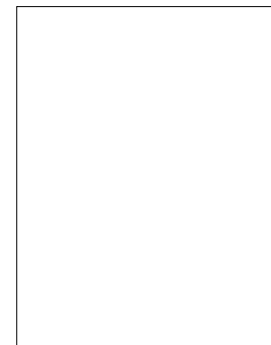
در ادامه گفتگو از حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعباس موسویان که یکی از طراحان الگوی جدید بانکداری اسلامی است، می‌پرسم:

❏ / بدین ترتیب، نتیجه نشست‌های کارشناسانه شما مبین آن است که نظام گذشته از بین نمی‌رود، بلکه هدف آن است که با نگرش جدید به قانون، از اشتباهات گذشته پرهیز کنیم. می‌خواهم صراحتاً بپرسم که آیا الگوی جدید می‌خواهد از نحوه اجرای عملیات بانکی به سبک گذشته رفع عیب کند یا حرف تازه‌ای را مطرح کرده است؟

❏ بحث بر سر قانون عملیات بانکی بدون ربا نیست، الگوی جدید هم در قالب همان قانون طراحی شده، پس حرف بر سر تغییر قانون یا اشکالات قانون نیست که البته آن هم جای بحث دارد. در واقع، من احساس می‌کنم که خود قانون هم نیاز به اصلاح و تکمیل دارد، اما الگویی که تحت‌عنوان الگوی جدید پیشنهاد شده، در چارچوب همان قانون مصوب سال ۶۲ است و نمی‌خواهد قانون را تغییر بدهد، بلکه الگوی عملیاتی فعلی که آن هم برخاسته از قانون سال ۶۲ است، اشکالات و نقایصی دارد که الگوی جدید درصدد است تا رفع اشکال و نقیصه از آن نماید.

❏ / مگر نه این که ما بانک‌های تخصصی چون مسکن، کشاورزی، صنعت و معدن و توسعه صادرات را داریم؟ پس چرا در مقطعی برخی از بانک‌های تخصصی به سبک بانک‌های تجاری مدیریت می‌شوند؟ چه نهادی باید مانع اینگونه فعالیت‌ها شود؟ چگونه بانک‌های تخصصی باید اقدام کنند که از مسیر اصلی خود دور نیفتند؟

❏ در مورد بانک‌های تخصصی دو نظریه وجود دارد: بعضی از نظریه‌ها، تقریباً الگوی بانک کشاورزی و برخی از نظریه‌ها الگوی بانک صنعت و معدن را توصیه می‌کنند. گروهی معتقدند که بانک‌های تخصصی از جهت اعطای تسهیلات باید در حوزه تخصصی اقدام کنند، اما در جذب منابع از همه منابع کشور می‌توانند استفاده کنند و محدودیت ندارند. لازمه این ایده این است که بانک‌های تخصصی همانند بانک تجاری شعب زیاد داشته باشند و خدمات متنوع ارائه کنند، مانند خدمات حساب جاری، پس‌انداز، قرعه‌کشی و... که هزینه‌های زیادی را بر بانک تخصصی تحمیل می‌کند. از طرف دیگر، بانک صنعت و معدن به عنوان نمونه دیگری از بانک‌های تخصصی است. این بانک در هر شهر فقط یک شعبه دارد، اما بانک کشاورزی با توسعه شبکه شعب، خدمات متنوعی را ارائه می‌کند تا بتواند جذب



تسهیلات‌گیرندگان و سپرده‌گذارانی که به دنبال سود معین هستند و به دنبال ریسک نمی‌باشند، به بانک‌های تجاری مراجعه می‌کنند.

بانک تخصصی باید در حوزه تخصصی خود فعالیت کند، منتها باید یک رابطه و تعامل خوب بین بانک‌های تخصصی و بانک‌های تجاری به‌وجود آید.

کمرنگ شد تا به تدریج کاملاً حذف شد. اخیراً خوشبختانه این اقدام مجدداً شروع شده تا تسهیلات در اختیار بانک مسکن و بانک صنعت و معدن قرار بگیرد. این اقدام باید نسبت به همه بانک‌های تخصصی مطرح شود. حتی به اعتقاد من، بخشی از منابع ذخایر ارزی به جای این که در بانک‌های خارجی نگهداری شود، در سرمایه‌گذاری بخش‌های مختلف کشور به صورت سپرده‌های با بازده از طرف دولت در بانک‌های تخصصی داخلی سپرده‌گذاری شود تا هم درآمدی برای دولت داشته باشد و هم این منابع به دست فعالان اقتصادی جامعه برسد. در آن صورت، بخشی از نیازهای بانک‌های تخصصی نیز برآورده می‌شود و دیگر نیازی به توسعه و تکثیر شعب بانک هم نخواهد بود.

❖ / لطفاً بفرمایید که در حال حاضر، در مقایسه با بانکداری مدرن دنیا چه جایگاهی داریم؟

□ متأسفانه باید عرض کنم که با استانداردهای موفق فاصله داریم. امروزه سرعت عمل در انجام عملیات بانکی در دنیا بسیار بالاست و هزینه این عملیات به حداقل کاهش پیدا کرده است و ما فاصله قابل توجهی با بانک‌های موفق دنیا داریم. بانک‌های دنیا امروزه با یک تا دو درصد حاشیه سود فعالیت می‌کنند، در حالی که در نظام بانکی ما این رقم بین سه تا چهار درصد می‌باشد، یعنی حدود دو درصد از جهت سود بانکی از متوسط بانکداری در دنیا فاصله داریم که این برمی‌گردد به تکنولوژی آموزش، عدم ارتباط بانک‌ها با یکدیگر، نظام مالی کشور، سیاست‌گذاری‌ها، مدیریت و... که نتیجه این می‌شود که حتی قرض‌الحسنه که ساده‌ترین عملیات بانکی ما می‌باشد، هزینه‌ای حدود سه‌ونیم تا چهار درصد کارمزد دارد، در حالی که اگر عملیات بانکی ما از جهت ابزارها، تکنولوژی و انجام عملیات روان بود، به اعتقاد من، کارمزد عملیات قرض‌الحسنه باید بین یک تا دو درصد می‌بود و اگر روزی شاهد باشیم که کارمزد اعطای قرض‌الحسنه به‌طور واقعی یک تا دو درصد شده است، آن موقع می‌توان ادعا کرد که به بانکداری مدرن دنیا نزدیک شده‌ایم.

❖ / جناب موسویان، به‌خاطر حضور در این مصاحبه از شما سپاسگزاری می‌کنیم.

منابع نماید که همه اینها هزینه‌تراشی برای بانک است. بین این دو نظریه بحث است. در دنیا برای بانک‌های سرمایه‌گذاری و تخصصی، الگوی بانک صنعت و معدن ارجحیت دارد و توصیه می‌شود که بانک در حوزه تخصصی خود فعالیت کند، منتها باید یک رابطه و تعامل خوب بین بانک‌های تخصصی و بانک‌های تجاری به‌وجود آید، بدین صورت که بانک‌های تجاری بتوانند اهرم و وسیله تجهیز منابع برای بانک‌های تخصصی باشند که ما این خلأ را داریم. اعتقاد دارم که کارشناسان امور بانکی و متخصصان روی این بحث سرمایه‌گذاری کنند که چگونه بانک‌های عمومی می‌توانند واسطه و ابزاری باشند برای تجهیز منابع بانک‌های تخصصی. در این صورت هم بانک‌های عمومی و تجاری فعال می‌شوند و هم بانک‌های تخصصی بی‌جهت مجبور به تحمل هزینه‌های سنگین و هنگفت برای افزایش شبکه شعب، ارائه خدمات متنوع و عام نخواهند شد. اما چون این خلأ در سیستم بانکی وجود دارد، بانک‌های تجاری هم نمی‌توانند ارتباط روشنی با بانک‌های تخصصی داشته باشند. آقای دکتر رسول‌اف از آن ابتکار استفاده کردند و من فکر می‌کنم که حل مشکل، مستلزم ایجاد یک نوع تعامل خوب، صحیح و کارآمد بین بانک‌های تجاری و تخصصی می‌باشد.

❖ / متولی این قضیه چه نهادی می‌تواند باشد؟ آیا دوباره باید تعریف و تعیین وظایف در این زمینه صورت پذیرد؟

□ بانک مرکزی می‌تواند با مطالعات کارشناسی و طراحی انواع روابط مالی بین‌بانکی، ایجاد توازن و تعادل بین بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری‌های میان‌مدت و بلندمدت نماید. نکته قابل توجهی که دکتر رسول‌اف را به این راه‌حل هدایت کرد، عدم حمایت دولت از این بخش اقتصاد بود. امروزه در دنیا بانک‌های تخصصی بخشی از منابع خود را از طریق ردیف‌های بودجه دولتی تامین می‌کنند. دولت‌ها گاهی به شکل بلاعوض، گاهی به شکل اعتبارات کوتاه‌مدت و یا وام‌های بلندمدت منابعی را در اختیار بانک‌های سرمایه‌گذاری و تخصصی قرار می‌دهند که از طریق بانک‌های تخصصی به‌دست فعالان اقتصادی برسد. متأسفانه بعد از انقلاب این ردیف از بودجه

بخشی از ذخایر ارزی به جای این که در بانک‌های خارجی نگهداری شود، به صورت سپرده‌های با بازده از طرف دولت در بانک‌های تخصصی داخلی سپرده‌گذاری شود.

برای استفاده از خدمات سیستم اشتراک، با تلفن شماره ۸۸۹۵۱۳۲۹ تماس بگیرید.